

بررسی رابطه متغیرهای سیستماتیک (اقتصاد کلان) و غیر سیستماتیک (حاکمیت شرکتی) بر درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

ملیحه علی‌فری امیر محمودیان نوید دخانی

1- ملیحه علی‌فری، دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

2- امیر محمودیان، دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

3- نوید دخانی، کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

چکیده

درماندگی مالی یکی از موضوعات مهم در بازارهای سرمایه است، چرا که هر شرکت دارای یک چرخه عمر است و شرکت در طی عمر خود ممکن است با نوساناتی در فعالیت‌های خود مواجه شود که به درماندگی مالی در مقطعی خاص منجر گردد. نامناسب بودن حاکمیت شرکتی، مدیریت، هزینه بالای تولید، فعالیت مالی ضعیف، هیئت مدیره غیرفعال و ساختار ریسک شرکت از جمله این عوامل تأثیرگذار بر درماندگی مالی هستند. نظام راهبری شرکت‌ها اهداف گروه‌های مختلف در شرکت را با هم همسو کرده و سعی در پیش‌گیری از درماندگی مالی شرکت‌ها و ایجاد ارزش برای شرکت دارد. از سوی دیگر، فضای کلان اقتصادی نیز کسب و کار شرکت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و غافل شدن از عوامل تعیین‌کننده این فضا چه بسا منجر به تصمیمات اشتباه و درماندگی مالی شرکت‌ها خواهد شد. با توجه به این ضرورت، مسأله اصلی این تحقیق، بررسی رابطه متغیرهای سیستماتیک (اقتصاد کلان) و غیر سیستماتیک (حاکمیت شرکتی) بر درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا این پژوهش، رابطه متغیرهای سیستماتیک (اقتصاد کلان) و غیر سیستماتیک (حاکمیت شرکتی) بر درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نموده است. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش، تعداد 96 شرکت در بازه زمانی 1389-1396 با استفاده از روش حذف سیستماتیک از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل رگرسیونی چند متغیره و داده‌های ترکیبی و روش لاجیت استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین متغیرهای غیرسیستماتیک (حاکمیت شرکتی) و درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که شاخص‌های درصد مالکیت نهادی، درصد اعضای غیر موظف و نوع حسابرس بر درماندگی مالی، تأثیر منفی و معنادار، و شاخص‌های درصد تمرکز مالکیت و درصد سهام شناور بر درماندگی مالی، تأثیر مثبت و معنادار داشته است. از بین متغیرهای سیستماتیک (اقتصاد کلان) نیز، نرخ رشد اقتصادی تأثیر منفی و نرخ بهره، تأثیر مثبتی بر درماندگی مالی شرکت‌ها داشته است اما بین نرخ تورم و درماندگی مالی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود نداشته است.

کلمات کلیدی: درماندگی مالی، شاخص‌های حاکمیت شرکتی، متغیرهای اقتصاد کلان، روش لاجیت.

1- مقدمه

از آنجا که بخش خصوصی برخوردار از سهم و نقش قابل توجهی در اقتصاد ملی کشورها است، از دیدگاه کلان اقتصادی، میزان فعالیت و اهمیت بورس اوراق بهادار با درجه توسعه یافتگی اقتصاد ملی رابطه‌ای همسو دارد. عموم سرمایه‌گذاران انتظار دارند عملیات شرکت سرمایه‌پذیر مطابق با شرایط مورد انتظار آنها پیش رود و بازدهی که نصیبشان می‌شود متناسب با ریسک سرمایه‌گذاری باشد. کاهش چرخه عمر محصولات، افزایش تأثیر تکنولوژی بر عملیات شرکت‌ها، گسترش مبادلات جهانی و عواملی از این دست باعث افزایش بی‌ثباتی در محیط‌های مالی شده که حاصل آن تمرکز بیشتر بر کاهش ریسک و تضمین بازده سرمایه‌گذاری‌ها بوده است.

درماندگی مالی یکی از موضوعات مهم در بازارهای سرمایه است، چرا که هر شرکت دارای یک چرخه عمر است و شرکت در طی عمر خود ممکن است با نوساناتی در فعالیت‌های خود مواجه شود که به درماندگی مالی در مقطعی خاص منجر گردد [1]. در زمان درماندگی مالی، جریان نقدی پوشش لازم برای ایفای تعهدات را تأمین نکرده